

عوامل سریال «شمعدونی» در میز گرد «ایران»

# فانتزی‌های مان ریشه در واقعیت دارد

► **مریم رضازاده**

«شمعدونی» سریالی است که این شب‌ها از شبکه سه سیما پخش می‌شود و مخاطبان بسیاری را با خود همراه کرده است. این سریال داستان خانواده‌ای ایرانی را نشان می‌دهد که با اتفاق‌های متعددی روبه‌رو هستند و همین اتفاق‌ها و حوادث باعث به‌وجود آمدن موقعیت‌های طنز و فانتزی قصه شده است. در این سریال بازیگرانی چون حسن معجونی، محسن قاضی مرادی، آتیه فقیه نصیری، نگار

عابدی و... حضور دارند که هر کدام بازی‌های قابل قبولی ارائه داده‌اند. توجه مخاطبان به این سریال باعث شد تا میزگردی با عوامل این مجموعه داشته باشیم.سروش صحت نویسنده و کارگردان، رویا میرعلمی بازیگر نقش «ژیبا» و محمد نادری بازیگر نقش «هوشنگ»، مهمان ما شدند تا از کم و کیف کار برای‌مان بگویند و به اظهارنظرهاو انتقادها پاسخ دهند. مشروح این میزگرد را در ادامه می‌خوانید:



ایران امروز چندی

دوست جدید، یک هوای تازه یا یک پنجره نو می‌مانند. این کار کمی ریسک دارد و کمی زسمان می‌برد تا ارتباط بین چنین بازیگری و مخاطب ایجاد شود اما از یک جایی به بعد مخاطب احساس می‌کند یک دوست جدید پیدا کرده است که نگاهش تکراری نیست. امیدوارم در کارهای بعدی هم بتوانم از بازیگرانی با چنین ویژگی‌هایی استفاده کنم و چنین روندی را ادامه دهم. سعی کردم بر اساس نقش بازیگرها را انتخاب کنم. کافی بود بازیگر نقش را پیدا کند، بعد عملا من بیکار بودم چون همه چیز سر جای خودش بود.

**نادری:** من تفاوتی در عرصه‌های بازیگری نمی‌بینم، به نظر من بازیگر، بازیگر است. حالا با روی صحنه تئاتر یا

روی پرده سینما و حتی قاب تلویزیون، مهم این است که بازیگر به شکل بخش عمده بازیگری بده بستان است. اتفاق خوبی که در این سریال افتاد این بود که خراج از هدایت و نظارت کارگردان، ارتباط خوبی بین بازیگرها شکل گرفت.

■ **خانم میرعلمی! برای شخصیت «ژیبا» تیپ‌سازی کردید. از روند بازی در این مجموعه بگویید.**

**میرعلمی:** پیگیر کارهای آقای صحت بودم خصوصا سریال پژمان را دوست داشتم. آن سریال در تلویزیون در عرصه کمدی اتفاق خوبی بود. ساختمان پزشکان را هم کم و بیش دیدم و دوست داشتم. اما فکر نمی‌کردم روزی با این تیم کار کنم ظاهرا آقای صحت کارهای مرا در تئاتر دنبال می‌کردند و به‌خاطر بازی در یکی از نمایش‌ها برای بازی در شخصیت «ژیبا» انتخاب شدم. از ابتدای

حضور در شمعدونی، متوجه شدم زیبا نقشی است که جای کار زیادی دارد و مطمئن بودم اتفاقات خوبی برای این نقش خواهد افتاد. ابتدا یک تیپ و ظاهری برای زیبا بر اساس نقش و فیلمنامه درست کردم اما به مرور این تیپ به کاراکتر تبدیل شد. این آدم فراز و فرود داشت. خوشبختانه آقای صحت بر اساس بازی هریک از شخصیت‌ها فیلمنامه را پیش می‌برد.

■ **آقای نادری! زمانی که هوشنگ مظاهری را بازی می‌کردید، می‌دانستید که این نقش مورد توجه قرار می‌گیرد؟**

نمی‌دانستم اما حس می‌زدم که چنین اتفاقی بیفتد یا توجه به اینکه کارهای قبلی آقای صحت را که مورد توجه قرار گرفت دیده بودم. ابتدا نگرانی داشتم. از دوستان نظر می‌خواستم که مثلا سکانس خوب شده یا نه‌خدا را شکر اتفاق خوبی افتاد هم سریال مورد توجه قرار گرفت و هم اینکه نقش هوشنگ دوست‌داشتنی شد. بخشی از این توجهی که اشاره کردید برمی‌گردد به ویژگی شخصیت هوشنگ مظاهری. گافها و ارتباطش با بقیه، شخصیتی را درست کرد که شیرین بود.

■ **نقش هوشنگ حدودا ۱۵ سال بزرگتر از خودتان بود و البته ۱۵ کیلو چاق‌تر. گرم و اضافه وزن چقدر به این شخصیت کمک کرد؟**

**نادری:** ابتدا که وارد سریال شدم اضافه وزن داشتم آقای صحت گفت این اضافه وزن به شخصیت‌پردازی کمک می‌کند و واقعا هم کمک کرد چرا که هوشنگ کارمند پشت میز نشین است و این اضافه وزن بخشی از فیزیک



**نادری:** در جنس کار سروش صحت بیشتر واقعیت وجود دارد اما موقعیت‌هایی وجود دارد که تبدیل به موقعیت کمدی می‌شوند. بنابراین جنس این کمدی برای بازیگر ملموس‌تر است چون بازیگر قرار نیست خودش موقعیت‌خنده‌داری را ایجاد کند. در کل مجموعه می‌بینیم بازیگران سعی و تلاش زیاد از حد نمی‌کنند که موقعیت خنده‌داری ایجاد کنند



**میرعلمی:** از ابتدای حضور در شمعدونی، متوجه شدم زیبا نقشی است که جای کار زیادی دارد و مطمئن بودم اتفاقات خوبی برای این نقش خواهد افتاد. ابتدا یک تیپ و ظاهری برای زیبا بر اساس نقش و فیلمنامه درست کردم اما به مرور این تیپ به کاراکتر تبدیل شد. این آدم فراز و فرود داشت



**صحت:** من خیلی ذهنم فانتزی نیست، متأسفانه با فانتزی خالص ارتباط برقرار نمی‌کنم. در شخصیت‌هایمان هم تیپ خالص نداریم بلکه تیپ شخصیت هستند. آدم‌های داستان‌مان سیاه و سفید هستند. در بحث فانتزی هم بجز یکی دو لحظه‌ای که واقعا فانتزی خالص است و هیچ مایه‌ازایی در زندگی واقعی ندارد بقیه فانتزی‌هایمان ریشه در واقعیت دارد

## حالا دیگر شمعدونی با سرعت لاک پشت می‌شوید

► **سید کامران علمدهی**

این شب‌ها شبکه سه سیما سریالی با عنوان شمعدونی را روی آنتن دارد. این مجموعه جایگزین سریال پر انتقاد «در حاشیه» شد، اگرچه در قسمت‌های نخست نوید یک سریال متفاوت از سروش صحت را می‌داد اما رفته رفته و در ادامه سریال دچار ضعف‌هایی شد که به کلیت کار لطمه زد.

شمعدونی در مجموع داستان سه خانواده است که با وجود ارتباط غیرصمیمی و غیر دوستانه اما اصرار بر معاشرت و با هم بودن دارند، البته این نکته را نمی‌توان به عنوان نکته منفی کار قلمداد کرد، چراکه همین تناقض‌ها نقطه عطف مجموعه به حساب می‌آید. اما این سریال ضعف‌هایی دارد که اگر نویسندگان و کارگردان کار آن را جدی می‌گرفتند مجموعه‌ای پرمخاطب لقب می‌گرفت.

نخستین مسأله بحث ریتم و سرعت پیشرفت داستان است که در قسمت‌های نخست با حالت بسیار خوبی پیش می‌رفت اما در ادامه ریتم کار کند شد و در نتیجه مجموعه کسل‌کننده شد. به هر حال وقتی یک فیلم با سریال از ابتدا با سرعت خاصی حرکت می‌کند مخاطب توقع دارد این روند تا پایان با کار همراه باشد اما در شمعدونی این اتفاق نیفتاد و هرچه که جلوتر رفتیم ریتم به حداقل سرعت رسید. نکته دوم بحث شوخی‌هایی است که یا به صورت کاملا جدی یا به حالت کل کل بین هوشنگ – مجید نادری با عطا – حسن معجونی – دیده می‌شود. این شوخی‌ها در قسمت‌های نخست بسیار جذاب، شنیدنی و نو بود اما هرچه تعداد قسمت‌ها دو رقمی شد این شوخی‌ها به ورطه تکرار افتاد و مخاطبی که در ابتدا به‌خاطر شوخی‌ها و حرف‌های طنزگونه و غیرمتعارف جذب این سریال شده بود به خاطر تکرار همین شوخی‌ها دلزده شد. حساب کردن پول ماشین توسط شوهر خواهر یا عذرخواهی اجباری شوهرخواهر از برادر زن و بسیاری دیگر از این اتفاق‌ها و شوخی‌ها با همان شکل و شمایل قسمت‌های نخست ادامه پیدا کرد به‌طوری‌که ببیننده به آنجا می‌رسد که ظاهرا نویسندگان، داستانی در ذهن‌شان جرقه خورده و تا چند قسمتی هم آن را پیش برده‌اند اما در ادامه و به یکباره دیالوگ‌ها تهی شد و مخاطب ناچار است علاوه بر ریتم کند مجموعه، دیالوگ‌ها و شوخی‌های تکراری را هم تحمل کند. نقد دیگری که به مجموعه وارد است نوع شخصیت‌پردازی

بازیگر خردسال آن است به گونه‌ای که در تیزرهای تبلیغاتی پیش از پخش لحن و شیرین زبانی کودک مخاطب را ترغیب می‌کرد که شمعدونی کار خوبی خواهد شد اما پس از پخش، شخصیت کودک آنقدر نادرست پرداخته شده بود که علاوه بر ناراحتی مخاطب، به نوعی ترویج بی‌ادبی هم بود، چراکه یک کودک با خبرچینی

و بی‌احترامی به بزرگترها دائم مورد حمایت و تشویق مادرش قرار می‌گرفت و برای فرزندان خردسال هم چه چیزی بهتر از آنکه بتوانند مادرشان را خوشحال کنند. بنابراین برداشت از این کودک بی‌تردید بدام‌وزی تأثیرگذاری در بینندگان کم سن و سال شمعدونی دارد. در بحث بازیگران هم اگرچه انتخاب بازیگران تا حد زیادی مناسب بود و بازیگر نقش زهره – آتیه فقیه نصیری – از همسرش بزرگ‌تر به نظر می‌رسید اما اغلب کارشان را بخوبی انجام دادند و توانستند به لحاظ بازیگری موفق عمل کنند البته در این میان رویا میرعلمی بازیگر نقش زیبا توانست نقش‌اش را بخوبی ایفا کند و هر گاه قرار بود که او دیالوگ بلندی را بگوید مخاطب به آنجا می‌رسید که او قصد دارد از خودش یک شقایق دهقان – منشی مطب در سریال ساختمان پزشکان – بسازد که در نوع خود ناموفق بود.

اگر در سریال‌های خارجی می‌بینیم که موقعیتی چند فصلی را در پی دارند علتش صرفا حمایت مالی و روابط نیست. این سریال‌ها علاوه بر رعایت نکات جذب مخاطب، شخصیت‌ها را یا خلق نمی‌کنند یا اگر خلق کنند قطعا از آنها استفاده بهینه خواهند کرد چیزی که ما در سریال شمعدونی با آن کمتر مواجه بودیم. شخصیت پدر خانواده با بازی محسن قاضی مرادی که در قسمت‌های نخست بسیار موفق و تأثیرگذار دیده می‌شد در قسمت‌های بعدی کارمند نگ شد و چند قسمتی را در بیمارستان و در حالت بیپهوشی گذراند و پس از دوره‌ای هم کمتر دیده شد و این مسأله تنها به خود نویسنده برمی‌گردد که شخصیتی را خلق کرده و حالا بنایه دلایی نمی‌داند که باید با آن شخصیت چاق کند!

در کل اگر بخواهیم درباره سریال شمعدونی جمع بندی داشته باشیم باید بگوییم که این سریال پتانسیل یک مجموعه بسیار خوب و ماندگار داشت و اگر بدستی با آن رفتار می‌شد و اصول مختلف بازیگری، نویسندگی و کارگردانی رعایت می‌شد این سریال قطعا مخاطبان بیشتری داشت. ضمن اینکه سروش صحت نشان داده در ساخت سریال‌های ژانر طنز کارش را بلد است و می‌تواند مجموعه‌های موفق‌تری چون پژمان و ساختمان پزشکان را بسازد اما به نظر می‌آید اگر سریال شمعدونی در هر قسمت مانند سریال‌های قبلی صحت داستانی را دنبال می‌کرد هم ریتم تندتر بود و هم شخصیت‌ها بهتر پردازش می‌شد و نقش آنها پررنگ به چشم می‌آمد.

■ **بازیگر خردسال سریال در برخی مواقع بامزه است، اما بعضی مواقع کارهای خوبی نمی‌کند. مثلا شوهرعمه‌اش را با اسم کوچک صدا می‌زند یا در سکانس بانک به پدرش می‌گوید به مامان می‌گویم پیش شیوا بودی و به نوعی دنبال باج‌خواهی است و در درازمدت ممکن است اثر منفی بگذارد و ترویج بی‌ادبی برای کودکان کند.**

**صحت:** در خیلی از فیلم‌ها و سریال‌ها بچه‌های مؤدب زیادی دیدم، در حالی که در دنیای واقعی بچه خیلی مؤدب ندیدم. به هر حال شیطنت و تجربه کردن جزو خصایص کودکی است. فکر می‌کنم یکی از کارهای طنز این است که باید شاخک‌ها را حساس کند. شاید بچه‌های مؤدب آن سریال‌ها را کسی یادش نباشد اما «عرشیا» را همه یادشان می‌ماند و البته این را بگویم او خودش پسر مؤدبی است. بچه‌ها و مادرها با همین سریال گفتند باید مراقب باشیم که فرزندانم به واسطه محبت ما پیش‌را از حد و مرزها فراتر نگذارند.

مطلبی را از دکتری درباره عرشیا خواندم. او نوشته بود، پدر و مادرها باید پس از دیدن سریال شمعدونی، رفتارهای فرزندان‌شان را مورد تحلیل قرار دهند و رفتارهای خوب و بد کودک را از یکدیگر تفکیک کنند.

در طول سریال هم می‌بینیم که همه افراد خانواده بجز مادر که کارهای عرشیا را تأیید می‌کند، همه اعضای خانواده رفتارهای زشت و کارهای ناپسند او را گوشزد کرده و او را مورد شماتت قرار می‌دهند. البته به‌واسطه اینکه کارمان کمدی است کمی اغراق هم کرده‌ایم اما فکر می‌کنم این موضوع را در دنیای واقعی دیده‌ایم.

■ **شوخی‌ها و اصطلاحا کل کل‌های**



**هوشنگ و عطا بجا و اندازه است. آقای نادری! چه کردید که میزان اندازه‌ها بدون این رابطه میان هوشنگ و عطای قصه شکل بگیرد؟**

**نادری:** من در طول کار سکانس‌های دو نفره عطا و هوشنگ را بسیار دوست داشتم. حتی در مواردی با نگاه‌شان کل کل می‌کردند. طبیعی است در یک بگویم وقتی جمله‌ای را یکی از طرفین می‌گفت طرف دیگر دلش می‌خواست یک جمله دیگر هم بگوید. جایی متن می‌گفت این سکانس تمام شده ولی من می‌گفتم آقای صحت، هوشنگ می‌تواند این جمله را هم بگوید. چند باری این اتفاق افتاد اما سروش می‌گفت بهتر است ادامه ندهی، چون ادامه پیدا کردن این بحث‌ها و منلک‌ها هوشنگ را از شخصیت مورد نظر دورتر می‌کند. چراکه هوشنگ تا این حد بدجنس نیست. از این رو هوشنگ سریال شمعدونی همان چیزی شده که ملاحظه می‌کنید و فکر می‌کنم هم خیلی خوب و متعادل شخصیتش حفظ شده است.

**خانم فقیه نصیری تجربه طنز در فیلمی مثل «حبیب‌رها به بهشت نمی‌روند» را داشته‌اند اما اصولا او را به عنوان یک بازیگر طنز نمی‌شناسیم. این انتخاب برپایه چه دلیلی بود؟**

**صحت:** من یکی از طرفداران خانم فقیه نصیری بودم. همان‌طور که اشاره شد در این سریال کسی کمدی بازی نمی‌کند، بلکه در موقعیت و شرایط کمدی قرار می‌گیرد. در این بخش به آدمی نیاز داشتم که متین‌تر، مؤثرتر و بافک‌تر عمل کند و طوری باشد که همه دوستش داشته باشند و در عین حال هم بتواند بحران‌های قصه را کنترل کند. «بابارضا» را داشتم که در بسیاری مواقع بیمار بود. زهره بحران‌ها در این بخرسی مدیریت و کنترل می‌کرد و اگر دقت کنیم در اکثر خانواده‌ها چنین فرد و افرادی را داریم. به همین خاطر بهترین گزینه برای چنین نقشی خانم فقیه نصیری بود.

**خانم میرعلمی بازهم طنز بازی می‌کنید؟**  
**میرعلمی:** بله، اگر نقش خوبی مثل زیبا که خوب نوشته شده بود، پیشنهاد شود حتما می‌پذیرم.

**آقای صحت گفت‌وگو را شما به پایان برسانید.**

دارد. ممکن است کل اعضای خانواده به بانک محل کار یک کارمند بانک تروند اما امکان بروز چنین اتفاقی هست.

**نادری:** در جنس کار سروش صحت بستر واقعیت وجود دارد اما موقعیت‌هایی وجود دارد که تبدیل به موقعیت کمدی می‌شوند. بنابراین جنس این کمدی برای بازیگر ملموس‌تر است چون بازیگر قرار نیست خودش موقعیت خنده‌داری را ایجاد کند. در کل مجموعه می‌بینیم بازیگران سعی و تلاش زیاد از حد نمی‌کنند که موقعیت خنده‌داری ایجاد کنند.

**میرعلمی:** کمدی که در شمعدونی اتفاق می‌افتد، کاملا کمدی موقعیت است. ما دنبال لودگی و هجو نبودیم. چیزی که فیلمنامه به‌ما ارائه‌داد موقعیت کمدی در بستر جدی است. وقتی بازیگر یکی دو لحظه‌ای که واقعا فانتزی خالص است و هیچ مایه‌ازایی در زندگی واقعی ندارد بقیه فانتزی‌هایمان ریشه در واقعیت

برخی معتقد هستند هرچه قصه جلوتر می‌رود ریتم سریال تندتر می‌شود.

■ **سریال فضایی فانتزی دارد مثلا اینکه کل خانواده به محل کار شخصیت زهره با بازی فقیه نصیری می‌روند یا زندانی شدند در گاوصندوق. فضای فانتزی با واقعیت فاصله دارد، چگونه این فضا شکل گرفت و بازیگران چگونه با این فضا ارتباط برقرار کردند؟**

**صحت:** من خیلی ذهنم فانتزی نیست، متأسفانه با فانتزی خالص ارتباط برقرار نمی‌کنم. در شخصیت‌هایمان هم تیپ خالص نداریم بلکه تیپ شخصیت سفید هستند. در بحث فانتزی هم بجز یکی دو لحظه‌ای که واقعا فانتزی خالص است و هیچ مایه‌ازایی در زندگی واقعی ندارد بقیه فانتزی‌هایمان ریشه در واقعیت

**قصه را طوری پیش می‌برید که مثلا زیبا پایش شکسته.**

**صحت:** برای خیلی از نقش‌ها سعی کردم دو کاندیدا داشته باشیم که اگر به هر دلیلی اولی نشد، سراغ دومی برویم و خدا را شکر در بیشتر موارد گزینه‌های اول قطعی شد اما برای نقش زیبا فقط یک کاندیدا داشتیم و آن هم خانم میرعلمی بود.

**صحت:** من چنین حسی نداشتم. غیر از دو- سه قسمت اول که زمان لازم بود تا سریال جا بیفتد، خوشحالم که گرم‌ها پیدا نیست.

■ **آقای نادری! شمعدونی اولین تجربه حرفه‌ای شما در زمینه سریال است. حضور در سریال نگاهتان را تغییر داد که مایل باشید بیشتر در عرصه تصویر فعالیت کنید؟**

**نادری:** کلا آدم متعصبی نیستم، برای من بازیگری مهم است و اینکه تقسیم را درست ایفا کنم و گر نه عرصه‌اش فرقی نمی‌کند. البته در فضای کاری در سینما و تلویزیون جذابیت‌های بیشتری وجود دارد. حالا از لحاظ شهرت و درآمد ممکن است بازیگر را بیشتر وسوسه کند اما با این حال چون سال‌ها تئاتر کار کرده‌ام گاهی دلم برای تئاتر تنگ می‌شود و الان هم یکی دو پیشنهاد تئاتری دارم که شاید یکی را بپذیرم.

■ **آقای صحت اشاره کردید که بازیگر برای نقش باید درست سر جای خودش باشد. خاطر مهست زمانی که سر صحنه سریال آمده بودم خانم میرعلمی گفتند که باوجود آسیب‌دیدگی و شکستگی پاشنای، شما اصرار به حضورشان در نقش زیبا داشتید و حتی گفتید**

**صحت:** من در این باره نظرات موافق و مخالف زیادی شنیدم البته موافق‌ها بیشتر بودند. خودم هم موسیقی را دوست دارم. اعضای گروه دنگ‌شو از دوستان قدیمی من هستند. اصولا در موسیقی جوان‌ها را دوست دارم و افتخار می‌کنم با این گروه کار کردم و امیدوارم در آینده بتوانم با بقیه گروه‌های موسیقی از جمله چارتار، پالت و بومرانی هم کار کنم.

■ **پس سلیقه‌تان به این نوع موسیقی نزدیک است تا اینکه مثلا خواندن تیتراژ سریال‌تان را به خواننده‌هایی مثل خواجه امیری بسپارید؟**

**صحت:** از آن سبک هم استقبال می‌کنم، اما طرفدار پروپاقرص گروه‌هایی هستم که به آن اشاره کردم.

■ **آقای صحت در ابتدا سریال ریتم سریع‌تری داشت، اما هرچه پیش می‌رویم داستان آرام‌تر پیش می‌رود. نظرتان چیست؟**

**صحت:** این هم از آن مواردی است که نظرات مختلفی درباره‌اش شنیدیم،